

رسانه‌های جدید اجتماعی و نقش آن‌ها در بازنمایی

کنش‌های جمعی:

تحلیل واقع‌بینانه انقلاب مصر

علی‌اشرف نظری* ، مجتبی قلی‌پور**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۱۲

چکیده

یکی از ویژگی‌های برجسته جنبش انقلابی مصر (۲۰۱۰-۲۰۱۱)، استفاده ابزاری معترضان از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین به‌ویژه اینترنت و تلفن همراه بود. رسانه‌های اجتماعی چون فیس‌بوک، توئیتر و یوتیوب؛ قابلیت پیام‌دهی متنی و نیز کارکردهای روزنامه‌نگاری شهروندی از طریق تلفن همراه و اینترنت (در پیوند با رسانه‌های رسمی)؛ و سایر پتانسیل‌های ارتباطی فناوری اطلاعاتی جدید، نقش قابل ملاحظه‌ای در مراحل مختلف تحولات انقلابی مصر داشته‌اند. اصطلاحاتی چون «انقلاب فیس‌بوکی»، «انقلاب توئیتری»، «انقلاب اینترنتی»، «انقلاب سایبری» و غیره، اگرچه شاید ماهیتی شعارگونه داشته و از دقت علمی به دور باشند، اما اهمیت ارتباطات جدید در فرایندهای انقلابی مصر و سایر کشورهای خاورمیانه را نشان می‌دهند.

aashraf@ut.ac.ir
mojtaba.gp@gmail.com

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول).
** دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران.

در این مقاله تلاش خواهد شد ارزیابی واقع‌بینانه و دقیقی از نقش ارتباطات مجازی ناشی از فناوری‌های اطلاعاتی جدید در جنبش انقلابی مصر داشته باشیم. ارزیابی تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی جدید بر امکان کنش‌گرایی سایر، آفرینش کنش‌های آنلاین و تقویت تعامل کنش آنلاین و آفلاین، امکان شبکه‌سازی اجتماعی، آشکارگی سرکوب و در نتیجه کاهش توان سرکوبگری حکومت بر اثر مکانیزم‌های افشاسازی ناشی از ارتباطات، بسیج، سازمان‌دهی، بازنمایی و پخش اخبار و اطلاعات مرتبط با جنبش در فرایند انقلاب مصر عمده‌ترین مباحث این مقاله را تشکیل خواهند داد. در پایان نیز به بررسی این مسئله می‌پردازیم که جایگاه فناوری‌های جدید ارتباطی در پیروزی انقلاب مصر چیست و این که آیا می‌توان ارتباطات مجازی را به‌مثابه متغیری مستقل در کامیابی جنبش انقلابی مصر به حساب آورد؟ هدف اصلی مقاله حاضر، درک نقش و جایگاه فناوری‌های جدید ارتباطی از این منظر است که این ابزارها به خودی نه علت هستند و نه خود کارگزار، بلکه ابزاری است که تحت شرایط وجود علل و زمینه‌های خاص به‌مثابه یک تسریع و تقویت‌کننده در خدمت اهداف کارگزاران خواهد بود. این همان نقش و جایگاه واقعی فناوری اطلاعاتی - ارتباطی جدید در انقلاب مصر است.

واژه‌های کلیدی: فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی نوین، اینترنت، تلفن همراه، کنش جمعی، جنبش‌های اجتماعی، مصر.

مقدمه

فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی نوین - به‌ویژه اینترنت و تلفن همراه - تبدیل به منابعی مهم برای بسیج کنش جمعی و ابداعات پس‌از آن، سازمان‌دهی و عمل جنبش‌های اجتماعی در سراسر جهان شده‌اند (Eltantawi & Wiest, 2011: 1207). تلفن‌های همراه، ایمیل یا پست الکترونیکی و شبکه جهان‌گستر^۱ در حال دگرگون کردن

1. world wide web

شیوه‌هایی هستند که فعالان ارتباط برقرار می‌کنند، همکاری می‌کنند و خود را بروز می‌دهند. از اعتراضات علیه بانک جهانی که به وسیله تلفن همراه هماهنگ شده بودند، تا نرم‌افزارهایی که برای دور زدن سانسور ساخته شده‌اند، نمونه‌های دگرگونی در چشم‌انداز جنبش‌های اجتماعی فراوان‌اند. دانشمندان از رشته‌های گوناگون از جمله جامعه‌شناسی، علم سیاست و ارتباطات، با شمار زیادی مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌هایی که از اواسط دهه ۱۹۸۰ به بعد منتشر شده‌اند، در حال تلاش برای فهم این دگرگونی‌ها می‌باشند به طوری که تا اواسط دهه ۱۹۹۰، این موضوع به یک حوزه پژوهشی ثابت تبدیل شده بود (Garrett, 2006: 202-203).

تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی (ICTs) مجموعه وسیع و متنوعی از فناوری‌ها هستند که برای برقراری ارتباط بین انسان‌ها (ارسال و دریافت انواع پیام‌های کلامی، صوتی و تصویری) و نیز برای تولید، انتشار، نگهداری و بازیابی اطلاعات به کار می‌روند. تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، ترکیبی از سخت‌افزار، نرم‌افزار، رسانه‌ها و حتی سیستم‌های پخش و توزیع اطلاعات و محتوا را شامل می‌شوند. ظهور و رواج تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی در دو دهه گذشته، به‌ویژه انقلاب اینترنت در یک دوره بسیار کوتاه، عرصه سیاست (عناصر سیاسی و روابط بین آن‌ها را) دچار دگرگونی کرده است. ظهور تکنولوژی‌ها و ارتباطات کامپیوتری و دیجیتالی، امروزه تمام مفاهیم عرصه سیاسی با بهره‌گیری از صفت‌هایی تعریف می‌شوند که ماهیتی ارتباطی و اطلاعاتی دارند. مفاهیم پایه‌ای تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی مانند الکترونیک، دیجیتالی، مجازی، سایبر و آنلاین، ماهیت جهان جدید را نشان می‌دهند: شهروند الکترونیک، دولت مجازی/ دیجیتالی، دمکراسی دیجیتالی/ سایبر/ الکترونیک، حکومت الکترونیک/ آنلاین و امثال آن‌ها اشاره به عصری دارند که در آن جامعه الکترونیک-متشکل از انسان‌ها، اجتماعات و سازمان‌هایی دارای حداقل یک بُعد وجودی الکترونیک- و سیاست الکترونیک در حال ظهور است (متنظر قائم، ۱۳۸۱: ۲۳۳-۲۳۴).

در سال‌های اخیر با گسترش ابزارهای جدید ارتباطی، شکل جدیدی از تفکر و کنش سیاسی- اجتماعی در حال پیدایش است. در این راستا ابزارهایی مانند: اینترنت، موبایل و شبکه‌های ماهواره‌ای فضای مناسبی برای ایجاد ارتباط دوسویه و بعضاً چند سویه ایجاد کرده‌اند. رسانه‌ها که در ابتدا به‌عنوان ابزاری ساده برای انتقال معانی تلقی می‌شدند، در عصر حاضر دارای چنان جایگاهی شده‌اند که با تأسیس شاهراه‌های اطلاعاتی، کل حیات انسان را تحت تأثیر قرار داده و معانی و کنش‌های متفاوتی را در زندگی پدید آورده‌اند. تحول در حوزه ارتباطات و توسعه فن‌آوری‌های نوین ارتباطی، منشأ تحولات عظیم در عرصه قدرت سیاسی و اقتصادی در جهان شده است (نظری و قلی پور، ۱۳۹۵).

ژان بودریار - اندیشمند فرانسوی - بر این باور است که جامعه مدرن شاهد گذار از مرحله مادی به مرحله «وانمودگی»^۱ است و در جامعه جدید اصالت با نشانه‌ها و نمورها می‌باشد. واسطه‌های الکترونیک، فرهنگ عصر اطلاعات را در چارچوب انتقال نمادها شکل می‌دهند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۵۴). شبکه‌های اجتماعی، به‌عنوان جماعت‌های مجازی در فضای سایبر از طریق گروه‌های ایمیل، وبلاگ‌ها، چت‌روم‌ها و سایت‌های دوست‌یابی، محیطی را برای تعامل و تبادل آراء به وجود می‌آورند. ظهور جامعه شبکه‌ای، پیامدهایی از جمله ارائه واقعیت مجازی، سیاست بر بال رسانه، زمان بی‌زمانی و جنگ مجازی و تهدید نرم را هم‌زمان با انقلاب اطلاعاتی همراه خود آورده است. از این منظر، «جیمز روزنا» در کتاب *آشوب در سیاست جهان می‌نویسد*: «فناوری الکترونیک جدید مدت‌زمان لازم برای بسیج سازمان‌ها و جنبش‌ها را چنان فشرده ساخته است که شهروندان عملاً می‌توانند بر هم انباشت شدن مهارت‌ها و سمت‌گیری‌های خود را در قالب بزرگ‌تری ببینند که برای رویدادها پیامدهایی دارند و توانایی بسیج مهارت‌ها و سمت‌گیری‌های شهروندان به حدی در مقایسه با گذشته

بیشتر و وسیع‌تر شده است که اثر عملی آن افزایش توانایی تشخیص و بیان آشکار مشارکت مدنی مؤثر در اقدام جمعی است» (روزنا، ۱۳۸۴: ۳۶-۳۷).

با آغاز جنبش‌های انقلابی خاورمیانه در سال ۲۰۱۰ م. و نقشی که برخی از پژوهشگران این تحولات برای فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین در این خیزش‌ها قائل شدند، بحث رابطه این فناوری‌ها و جنبش‌های انقلابی خاورمیانه در ابعاد گوناگون خود توجه پژوهشی قابل توجهی را برانگیخته است. به نظر می‌رسد چنین بحث‌هایی بیش و پیش از همه در مورد مصر مطرح باشد. جایی که به باور پژوهشگران، رسانه‌های اجتماعی نقش عمده‌ای در مراحل مختلف انقلاب، در پیش، حین و پس از انقلاب ایفا نمودند. اگر با اندکی اغماض مجموعه پژوهش‌ها و تحلیل‌هایی را که تاکنون درباره فاکتورهای مؤثر بر جنبش‌های انقلابی خاورمیانه (به‌طورکلی) و جنبش انقلابی مصر (به‌طور خاص) انجام شده، دسته‌بندی کنیم، با دودسته تحلیل‌ها مواجه خواهیم بود: دسته اول، آن گروه از نوشته‌ها و پژوهش‌ها هستند که اساساً توجهی به نقش و کارکرد «ابزارهای از جنس فناوری» در این انقلاب (ها) نداشته و بیشتر از منظر فاکتورهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نیز مبانی فکری و ایدئولوژیک و کنش‌گرایی واقعی به این بحث پرداخته‌اند. اما دسته دوم گروهی از پژوهش‌ها هستند که با تأکید بر ابعاد ابزاری به‌ویژه ابزارهای فناورانه در این جنبش (ها)، به‌نوعی در دام جبرگرایی فناورانه^۱ گرفتار شده و با نگاهی خوش‌بینانه به تغییر فناوری اطلاعاتی - بنیاد^۲، در واقع از ارزیابی محدودیت‌های و چالش‌های ایجاد شده توسط این فناوری‌ها برای ایجاد تغییر، غفلت ورزیده و نیز از توجه به شرایط زمینه‌ای این تحولات بازمانده‌اند.^۳ این دو رویکرد متفاوت هرچند هرکدام در حوزه مورد بررسی و تأکید خود وجوهی از بحث

1. technological determinism

2. ICT-based change

۳- این دسته از تحلیل‌ها اغلب در زمره نوشته‌های ژورنالیستی و غیر علمی قرار می‌گیرند که با موج انقلاب‌های خاورمیانه به راه افتاده است.

را روشن می‌کنند، اما به نظر می‌رسد که دو سر طیفی متضاد باشند که بسیاری از واقعیت‌های میانه طیف را به فراموشی سپرده‌اند و یا کم‌اهمیت می‌پندارند.

با درک این که چنین دوگانه‌ای ما را از فهم بسیاری از وجوه انقلاب‌های خاورمیانه بازخواهد داشت، ما در بررسی رابطه فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی نوین و جنبش انقلابی مصر، رویکرد میانه‌ای را اتخاذ خواهیم کرد. ویژگی عمده چنین رویکردی عبارت از این است که ضمن توجه کافی به نقش و تأثیر ابزارهای فناورانه در کنش انقلابی مردم مصر، رابطه علت و معلولی بین این ابزارها و تغییر سیاسی برقرار نمی‌کند و بنابراین به دام جبرگرایی فناورانه نمی‌افتد. ما تلاش خواهیم کرد که وجوه فرصت‌گونه و چالش‌گونه فناوری اطلاعاتی نوین برای جنبش انقلابی مصر را توأمان مدنظر قرار دهیم. چنین نگاهی تحلیلی‌گر هوشمند را به‌سوی رویکردهای میانه و ارزیابی متغیرهای مختلف تأثیرگذار و پرهیز از پژوهش‌های تک‌علیتی و جبری رهنمون خواهد کرد.

با توجه به چنین مقدمه‌ای ادامه بحث را در دو جهت پی می‌گیریم: ابتدا به بررسی پاسخی برای این پرسش می‌پردازیم که چرا بایستی نقش ابزارهای فناورانه را در انقلاب مصر جدی بگیریم؟، این بخش در واقع شامل استدلالاتی برای آشکار کردن نقش رسانه‌های جدید در روندها و فرایندهای انقلاب مصر خواهد بود. در بخش دوم به بررسی پاسخی برای این پرسش می‌پردازیم که چرا نبایستی در دام جبرگرایی فناورانه افتاد؟ این بخش محدودیت‌ها و چالش‌های رسانه‌های جدید در عمل به‌مثابه موتور تغییر انقلابی را برجسته نموده و حتی موانع آن‌ها را گوشزد می‌نماید. در پایان نتیجه‌گیری خواهد آمد که در آن تلاش شده تا جایگاه واقعی متغیر فناوری اطلاعاتی و ارتباطی در جنبش انقلابی مصر روشن گردد.

نقش فناوری‌های اطلاعاتی-ارتباطی نوین در کنش‌های جمعی

آیا می‌توان در دفاع از نقش فناوری‌های اطلاعاتی-ارتباطی نوین در جنبش انقلاب مصر شواهدی ارائه داد؟ با توجه به مجموعه پژوهش‌های انجام‌شده پاسخ ما به این پرسش مثبت است. ما در اینجا تلاش می‌کنیم برخی از عمده‌ترین پیوندگاه‌های ارتباط رسانه‌های جدید و جنبش‌های اجتماعی را که بیشتر در جهت تقویت و تسهیل این جنبش‌ها عمل می‌نمایند به کوتاهی برشمرده و این ادعاهای تئوریک را با شواهدی از انقلاب مصر مستند می‌نماییم.

الف) تقویت حوزه عمومی به مثابه عرصه کنش جمعی

فناوری‌های اطلاعاتی-ارتباطی نوین می‌توانند باعث دگرگونی حوزه عمومی شده و با گسترش و تقویت آن در مقابل حوزه خصوصی و نیز حوزه عملکرد و دخالت حکومت، منجر به باز شدن سیستم سیاسی و دسترسی‌پذیری بیشتر آن و در نتیجه فراهم شدن فرصت‌های سیاسی برای جنبش‌های اجتماعی شوند. ویژگی‌هایی چون نظارت‌پذیری کمتر و احساس امنیت و آزادی بیشتر، تعاملی بودن^۱، رهایی از قید مکان و زمان، انعطاف‌پذیری هویتی، ارزانی نسبی، و ... رسانه‌های جدید به‌ویژه اینترنت و تلفن همراه را تبدیل به ابزارهایی دارای پتانسیل قابل توجه برای تعریض و تقویت حوزه عمومی کرده است (قلی پور، ۱۳۹۰: ۳۵-۴۵). پیشینه پژوهشی نیرومندی درباره تأثیر رسانه‌های جدید بر گسترش حوزه عمومی و بنابراین فراهم کردن فرصت‌های سیاسی برای کنش جنبش‌های اجتماعی وجود دارد. صاحب‌نظران بزرگی از جمله مانوئل کاستلز بر نقش رسانه‌های جدید در شکل‌دهی به توسعه حوزه عمومی اشاره کرده‌اند (Castells, 2008: 78-79). کاستلز همچنین جنبش‌های اجتماعی جهانی را یکی از اصلی‌ترین کنشگران این حوزه عمومی جهانی ایجادشده پیرامون نظام رسانه‌ای می‌داند (Ibid: 85).

شواهدی از شکل‌گیری و گسترش حوزه عمومی بر اثر رسانه‌های جدید در پیش، چین و پس از انقلاب مصر وجود دارد. بخش اعظم محتوای تولیدشده توسط انقلابیون مصری با استفاده از رسانه اجتماعی از قبیل فیس‌بوک، پورتال به اشتراک‌گذاری ویدئوی یوتیوب، توییتر، و خدمات پیام کوتاه (SMS) یا پیام‌دهی متنی ارسال و پخش می‌شد. این رسانه‌ها امکان ارتباط هم‌تراز^۱ بین کاربران را فراهم می‌کردند و آن‌ها می‌توانستند به هم متصل شوند. بنابراین کاربران می‌توانستند ایده‌ها و تصاویر خود را به شمار کثیری از مردم منتقل کنند. بنابراین درست است که بگوییم یکی از مهم‌ترین وسایلی که از طریق آن گرایش‌های افکار عمومی و حوزه‌های عمومی در جوامع مدرن عربی و به‌ویژه مصر شکل‌گرفته و منتقل می‌شوند، اینترنت است. اهمیت فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی جدید در گسترش حوزه عمومی در جریان این انقلاب از این واقعیت ناشی می‌شود که این فناوری‌ها با کم‌رنگ کردن مرزهای جغرافیایی و امکان انعکاس بین‌المللی اخبار، سانسور رسانه حکومتی را به چالش می‌کشیدند و یک صدای آلترناتیو برای خروجی‌های رسانه سنتی که تنها سیاست‌ها و دیدگاه‌های رسمی حکومتی را منعکس می‌کردند، فراهم می‌آوردند. به عبارت دیگر اینترنت از طریق یک جهان سایبری در حال ظهور «مجازی تعریف‌شده» که هیچ مرز فیزیکی را نمی‌شناسد، امکان جریان به داخل و جریان به خارج اطلاعات را به‌طور هم‌زمان فراهم می‌نمود. بنابراین، اینترنت از طریق گسترش اطلاعات در حوزه عمومی فرصت گران‌بهایی برای بسیج عمومی در فراسوی مرزها فراهم می‌کرد (Khamis & Vaughn, 2011: 3-4). بنابراین، آن‌طور که طنطاوی و ویست نتیجه‌گیری می‌کنند «انقلاب مصر نشان‌دهنده فرصت‌های فراهم‌شده توسط رسانه اجتماعی برای بسیج بزرگ‌مقیاس و سازمان‌دهی و اجرای جنبش‌های اجتماعی است.» (Eltantawi & Wiest, 2011: 1218).

1. peer to peer connection

ب) کارکردهای روزنامه‌نگاری شهروندی رسانه‌های جدید

روزنامه‌نگاری شهروندی^۱ (که با عناوین روزنامه‌نگاری عمومی، مشارکتی، دموکراتیک، چریکی^۲، یا روزنامه‌نگاری خیابانی^۳ نیز شناخته می‌شود)، عملی است که طی آن یک شهروند یا گروهی از شهروندان نقش فعالی را در فرآیند گردآوری، گزارش دهی، تحلیل و انتشار اخبار و اطلاعات ایفا می‌نمایند. هدف از این عمل فراهم آوردن اطلاعات مستقل، قابل‌اعتماد، دقیق، گسترده و مناسب است که یک دموکراسی به آن نیاز دارد (Bowman & Willis, 2003: 9). این همان کارکردی از رسانه‌های جدید است که در جریان انقلاب مصر به‌وضوح قابل‌مشاهده بود. طبق دیدگاه آیدل و نانس^۴ (۲۰۱۱: ۲۶) «هنگامی که مردم می‌توانند به اینترنت رفته و از طریق شبکه‌های اجتماعی مستقیماً به معترضان گوش دهند، دیگر مجبور نیستند گزارش‌های سانسور شده در روزنامه‌های تحت کنترل حکومت را بخوانند». در طی اعتراضات مصر فعالان تلاش کردند تا گزارش‌های معترضان را به دیده‌بانان بین‌المللی حقوق بشر منتقل کرده و تصاویر گرفته‌شده توسط فعالان را به رسانه‌های بین‌المللی برسانند. آیدل و نانس یادآور می‌شوند که فعالان تنها برای دیگر مصریان توییت نمی‌کردند بلکه مخاطب آن‌ها رسانه‌های بین‌المللی و جهان بود. شاهد آن که آن‌ها در طول ۵ روز انسداد اینترنت، یعنی هنگامی که توییت‌هایشان به‌آسانی توسط دیگر مصری‌ها خوانده نمی‌شد، بازهم مسافت زیادی را برای دسترسی به اینترنت طی می‌کردند.

معترضان مصری ویدئوهای پردازش نشده‌ای را از بی‌رحمی و وحشی‌گری پلیس به یوتیوب و دیگر سایت‌های به اشتراک‌گذاری ویدئو انتقال دادند. در طول مدت انسداد اینترنت، درحالی‌که روزنامه‌نگاران حرفه‌ای برای آن که صدایشان را به بیرون برسانند در حال مبارزه بودند، معترضین خیابانی از خطوط زمینی برای فراخوان حامیان

1. citizen-journalism
2. guerrilla
3. street journalism
4. Idle & Nunns

استفاده کردند. این حامیان گزارش‌های معترضین را ترجمه و در توئیتر برای مخاطبان بین‌المللی مشتاق اخبار و رویدادهای جدید منتشر کردند (Ishani, 2011).

هنگامی که خشونت در خیابان‌های قاهره بالا گرفت، روزنامه‌نگاران حرفه‌ای گزارش رویدادها را دشوار یافتند، اما جوانان مصری که در قلب رویدادها بودند و تلفن‌های همراهی که حاضر و مهیا بود، منجر به آن شد که توئیتر کردن زنده^۱ به همان اندازه درگیری‌ها شیوع یابد. علاوه بر این یورک می‌گوید در وضعیت‌هایی همچون اعتراضات، مزیت‌های روزنامه‌نگاری شهروندی بر خطرات آن در فراهم کردن اطلاعات نادرست غلبه دارد، چرا که مصری‌ها کشور خود را بهتر از CNN و MSNBC یا حتی الجزیره می‌شناسند (York, 2011). بنابراین شهروند-روزنامه‌نگاران می‌توانند مورد اعتمادترین و معتبرترین منبع اخبار و اطلاعات در طول این رویدادهای سیاسی مهم باشند.

بریسون گزارش می‌دهد که فراسوی ارتباطات سریع، تلفن همراه نزدیک و همه‌جا حاضر، برای معترضین فرصت ثبت رویدادهای جدید را فراهم کرد. او اضافه می‌کند همچون ابزارهای ساخت روایت انقلاب، تلفن‌های همراه به معترضان احساس مالکیت بر رویدادها را بخشیدند و متن، ویدئوها و عکس‌های آن‌ها نیز در شکل‌دهی به روایتی که باقی خواهد ماند، مورد استفاده خواهند بود. آیدل و نانس یادآور می‌شوند:

«یکی از ویژگی‌های قیام مصر، سست شدن تدریجی روزنامه و تلویزیون دولتی بود، تا جایی که هنگامی که عموم مردم مضحک بودن پوشش خبری رویدادها را دیدند، روزنامه‌نگاران شروع به استعفا کردند. هرچند مغایرت محتوایی فراهم‌شده توسط شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای فراملی مثل الجزیره در این فرایند مؤثر بودند، اما گزارش‌های این کانال‌ها نیز اغلب متأثر از اطلاعات و قطعه فیلم‌هایی بود که از شهروند-روزنامه‌نگاران در میدان تهیه می‌شد» (Idle and Nunns, 2011: 20).

در نتیجه پوشش خبری شبکه‌های ماهواره‌ای فراملی همچون الجزیره و نیز گزارش‌های شهروند-روزنامه‌نگاران که اطلاعات لحظه‌به‌لحظه و دستکاری نشده از کنش‌ها را فراهم می‌نمودند، یک بحران اعتبار^۱ برحسب درک عموم مردم از رسانه ملی و تحت کنترل حکومت به وجود آمد.

ج) آشکارگی سرکوب و کاهش توان کنترل

در عصری که ویژگی عمده آن همه‌جایی بودن ابزارهای فناورانه جدید و قابلیت انتشار سریع اطلاعات از مجاری گوناگون است، همه افراد به‌ویژه نخبگان سیاسی نمی‌توانند خود را از نظارت دقیق و لحظه‌به‌لحظه گفتارها و کردارهایشان برهانند. در این عصر هر گفتار و کردار متبادر کننده خشونت و سرکوب و هر عملی که توسط پلیس در خیابان صورت می‌گیرد، به سرعت در مقیاس جهانی پخش شده و در معرض توجه افکار عمومی جهانی، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و سایر بازیگران سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی قرار می‌گیرد. بنابراین حکومت‌ها نمی‌توانند فارغ از پیامدهای پخش گسترده تصاویر و اطلاعاتی که افکار عمومی جهانی و حتی سازوکارهای حقوقی بین‌المللی را علیه آن‌ها بسیج می‌کند، دست به مقابله عریان با اعتراضات و اعمال جمعی بزنند، ولو این که این اعتراضات در حال تهدید امنیت و ثبات ملی باشند و از روش‌های خشونت‌آمیز بهره ببرند.

جنبش انقلابی مصر در طول اعتراضات خود به نحو بارزی از قابلیت‌های فناوری جدید برای کاهش ظرفیت سرکوب و مقابله حکومت استفاده کرد. زاک بریسون در این باره گزارش می‌دهد که چگونه فیس‌بوک به‌مثابه یک ابزار مدیریت دفاع و فشار توسط برخی از گروه‌های اپوزیسیون مصر مورد استفاده قرار می‌گرفت. به‌عنوان مثال آن‌ها ذکر می‌کنند که یکی از سازمان دهندگان ارشد حزب جبهه دموکراتیک^۲ شرح داده

1. credibility crisis
2. Democratic Front Party

است که آن‌ها چگونه هر موقع که حکومت فرصتی فراهم نموده است به فیس‌بوک به‌عنوان یک ماشین فشار روی آورده‌اند. طبق اظهارنظر این سازمان دهنده، «هنگامی که نیروهای امنیتی دربِ مقر جبهه ما را در ۲۶ ژانویه شکسته و به زور داخل شدند، ما فوراً یک گروه فیس‌بوکی به‌منظور برانگیختن خشم عمومی و رسانه‌ای کردن این موضوع تشکیل دادیم» (Brrison & Lee, 2011: 28). به همین ترتیب محمد مصطفی شرح می‌دهد که چگونه عوامل سازمان‌دهی این انقلاب از موبایل‌های خود به‌ویژه دوربین‌های تلفن همراه برای ثبت رویدادهای دستگیری یک نفر یا وحشی‌گری پلیس استفاده کرده و با انتقال فوری آن‌ها به فیس‌بوک و توییت کردن دوباره آن‌ها جلب توجه کرده و کسب حمایت می‌نمودند (Khamis & Vaughn, 2011:12).

د) فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی نوین و ظرفیت‌های جدید کنش

ظهور و گسترش ارتباطات اینترنتی در کنار ظهور کانال‌های تلویزیون ماهواره‌ای منجر به یک دگرگونی مهم از الگوی رسانه‌ای یکپارچه^۱، تحت کنترل دولت، و تحت مالکیت حکومت، به یک چشم‌انداز رسانه‌ای تكثرگرایانه‌تر و متنوع‌تر شده است. در این چشم‌انداز جدید بسیاری از صداهای متنوع و رقیب که نمایانگر مواضع و جهت‌گیری‌های سیاسی متنوع هستند، می‌توانند در زمان واحد شنیده‌شده و بر رونق بحث‌های سیاسی جاری و صورت‌بندی طیف وسیعی از گرایش‌های افکار عمومی بیفزایند. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین، به‌ویژه اینترنت، مدلی از ارتباط را پیشنهاد می‌کنند که به‌طور بنیادین نسبت به قواعد حکومت مقاوم است، بنابراین با ایجاد ممانعت و جلوگیری از توانایی حکومت برای کنترل جریان اطلاعات و ارتباطات سیاسی، ظرفیت سانسور و سرکوب حکومت را کاهش می‌دهند (Garrett, 2006: 213).

قابلیت‌های فناوری‌های جدید برای دور زدن سانسورها و کنترل‌های رسانه‌های سنتی آشکار است و نیازی به بحث بیشتر ندارد. اما آنچه حائز اهمیت است این است که خود این رسانه‌های جدید نیز مورد کنترل و سانسور حکومت‌ها قرار می‌گیرند. تمام دیکتاتورهای مخلوع خاورمیانه و از جمله رژیم حسنی مبارک در مرحله‌ای تلاش کردند تا این رسانه‌های جدید را مورد کنترل و به عبارتی مانیتورینگ قرار دهند. اما راه گریز از این سانسورها در خود این فناوری‌ها تعبیه شده است. به‌عنوان مثال در ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱، حکومت مصر خدمات اینترنت و تلفن همراه را در سراسر کشور قطع کرد که به یک قطعی تقریباً یک‌هفته‌ای منجر شد. این قطعی و انسداد اینترنت و تلفن همراه که تقریباً یک هفته ادامه داشت، فعالان را مجبور کرد تا برای ارسال ویدئوها به سازمان‌های خبری بین‌المللی راه‌حل‌های نوآورانه بیشتری همچون ایجاد حساب ¹ftp پیدا کنند. راه‌حل دیگری که آن‌ها یافتند استفاده از خطوط زمینی برای اتصال به سرویس‌های اینترنت کشورهای همسایه از طریق تماس با شماره‌های بین‌المللی با مودم‌های شماره‌گیری ² قدیمی‌تر بود. اتصالی که کند بود اما برای ارسال توییت‌هایی درباره رویدادها کافی بود. آن‌ها حتی متوسل به کد مورس ³، ماشین‌های فاکس و فرستنده‌های موج کوتاه رادیو شدند تا اخبار رویدادها را به بیرون انتقال دهند. آن‌ها همچنین تلفن‌های ماهواره‌ای و مودم‌های ماهواره‌ای را به مصر قاچاق کردند که ویژگی آن‌ها این بود که برای ایفای کارکرد خود به زیرساخت‌های مصر وابسته نبودند. برای دور زدن انسداد تلفن همراه، معترضان شماره‌های مرکز پیام جایگزین دایر کردند که به برخی نواحی اجازه می‌داد به پیام‌نگاری و استفاده از خدماتی چون توییت ادامه دهند. علاوه بر این هنگامی که حکومت مصر شبکه تلویزیونی الجزیره در قاهره را بست و رئیس نمایندگی آن را بازداشت کرد و پخش برنامه‌های الجزیره را از طریق ماهواره

1. file transfer protocol
2. Dial -up
3. morse code

نیل‌ست^۱ مسدود کرد، مصری‌ها در عوض به ماهواره‌های برد^۲ و عرب‌ست^۳ برای تماشای الجزیره متصل شدند. در حال، آن‌ها در دور زدن این انسدادها و ممنوعیت‌ها انعطاف‌پذیر و خلاق بودند.

معترضین همچنین از تلاش‌های بین‌المللی برای کمک به خود سود بردند. در طول مدت انسداد اینترنت، گوگل و توییتر تلاش کردند تا یک سیستم «صحبت کن تا توییت شود»^۴ راه‌اندازی کنند، سرویسی که از طریق آن کاربران می‌توانستند با یک تلفن بین‌المللی تماس گرفته و بدون نیاز به اینترنت پیام‌های توییتری ثبت کرده و یا بشنوند. پروژه خبری زنده جهان کوچک^۵ با سیستم «صحبت کن تا توییت شود» همکاری کرد تا پیام‌های صوتی معترضان در میدان التحریر را ترجمه کند. یکی از گزارش‌های آن‌ها درباره پسر ۱۵ ساله‌ای بود که داستان ربوده شدن در خیابان، ضرب و شتم و بازداشت ۲۲ روزه‌اش را بازگو می‌کرد (Silver, 2011). در طول دوران انسداد، برخی موارد ضبط‌شده در حساب توییتر «صحبت کن تا توییت شود» پدیدار شد که از مصریانی بود که احتمالاً از طریق تماس تلفنی با دوستان و یا اعضای خانواده خارج از مصر درباره این سرویس یاد گرفته بودند (York, 2011). این نکته آخر پدیده‌ای جالب را برجسته می‌کند: فعالان مصری توسط جریان اطلاعاتی که از خارج برای آن‌ها می‌آمد حمایت می‌شدند، در حالی که در همان حال آن‌ها از طریق پوشش خبری خود از قیام مصر و اطلاعاتی که درباره آن فراهم می‌کردند، در افکار عمومی بین‌المللی در خارج تأثیر می‌گذارند. این امر به روشنی نقش اجتناب‌ناپذیر بسیج شبکه‌های ارتباطی برون‌مرزی را در تلاش برای جذب حمایت و منابع سیاسی مورد نیاز برای پیدایش و افزایش کشش اراده عمومی را نشان می‌دهد.

-
1. Nilesat
 2. Hotbird
 3. Arabsat
 4. speak-2-tweet
 5. the small world newsproject "alive"

به‌طور خلاصه قطع اینترنت توسط رژیم فقط پرهزینه نبود، بلکه نتیجه معکوس نیز داد. این مسئله مصری‌های خو گرفته به دسترسی به اینترنت و موبایل را خشمگین کرد. جوانان مصری تحصیل‌کرده تحت تأثیر سال‌های دسترسی به اینترنت بودند که دیدگاه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر را شکل داده و منجر به یک حس استحقاق برای دسترسی به اینترنت در میان آن‌ها شده بود، تا آنجا که هنگامی که این دسترسی لغو شد (هنگامی که رژیم اینترنت را در جریان اعتراضات قطع کرد)، آنان به این نتیجه رسیدند که خیابان‌ها را پر کنند. بنابراین می‌توان گفت در این مورد خاص، فقدان اطلاعات در جهان مجازی، کنش‌گرایی در جهان واقعی را تشدید کرد، به‌جای آنکه آن را متوقف کند. طبق دیدگاه عادل اسکندر، مردم مصر بر اثر مسدود کردن اینترنت و تلفن همراه توسط حکومت، احساس مورد توهین واقع شدن نمودند: «واکنش آن‌ها به این انسداد شدید بود... آن‌ها مقاوم‌تر و مصمم‌تر شدند، چرا که تلاش حکومت برای تحقیر خود را نپذیرفتند. پیام آن‌ها برای رژیم این بود که مصر را نمی‌توان مسدود کرد و مردم آن را نمی‌توان از هم جدا کرد» (Khamis, 2011).

ذ) دگرگونی منابع عمل جمعی: ظهور اشکال جدید کنش سیاسی

شواهد حاکی از آن است که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین در حال ایجاد تغییراتی در مجموعه‌های ستیز و مبارزه هستند، و به فعالان این امکان را می‌دهند که در اشکال نوین فعالیت ستیزگرانه درگیر شده و یا اشکال موجود ستیز را با محیط آنلاین سازگار کنند. به‌طور خلاصه از جمله تحولات رخ داده در کنش جمعی تحت تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی جدید می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ظهور اشکال آنلاین کنش جمعی و یا به‌عبارت‌دیگر همسنگ‌های آنلاین برای

کنش جمعی (نامه‌نویسی، طومارنویسی، لابی کردن، بلوکه کردن‌ها و...)

- سازوار کردن تاکتیک‌های موجود برای استفاده در یک محیط فناوری اطلاعاتی - محور (نافرمانی ICT محور^۱، تحصن مجازی^۲، هک‌گرایی^۳ و...)

- حمایت، بسیج و سازمان‌دهی کنش‌های آفلاین

به‌هرحال اینترنت نقش مهمی را در ایجاد یا دگرگونی بسیاری از اشکال کنش جمعی، از اقناعی تا تقابلی و از اقدامات فردی تا اقدامات جمعی بر عهده دارد (Postmes & Brunsting, 2002: 290-293). چنین کارکردهایی به‌ویژه مورد سوم در جنبش انقلابی مصر کاملاً نمایان است. سحر خمیس و کاترین وون (۲۰۱۱) در مقاله‌ای به‌طور مفصل به این بحث پرداخته‌اند. از نظر این دو نقش رسانه جدید، قبل، در طول و بعد از انقلاب مصر به‌ویژه در سه روش به‌هم‌پیوسته مهم بود: فعال کردن کنش‌گرایی سایبر، که یک برانگیزنده مهم برای کنش‌گرایی خیابانی^۴ بود؛ تشویق درگیرشدگی مدنی از طریق کمک به بسیج و سازمان‌دهی معترضان و دیگر اشکال بیان سیاسی و بالاخره فراهم کردن شکل جدیدی از روزنامه‌نگاری شهروندی، که عرصه‌ای را برای شهروندان عادی فراهم می‌کند تا خویشتن را بیان کرده و تفاسیر خود از واقعیت را ثبت نمایند.

آن‌ها به نقل از هوارد (۲۰۱۰: ۱۴۵) کنش‌گرایی سایبر را این‌گونه تعریف می‌کنند: «عمل استفاده از اینترنت برای پیشبرد یک هدف سیاسی که پیشبرد آن به‌صورت آفلاین مشکل است». خمیس و وون سپس به‌طور مفصل به بحث کنش‌گرایی سایبر در قبل، حین و پس از انقلاب مصر می‌پردازند. از نظر این دو کارکرد اصلی کنش‌گرایی سایبر در مرحله پیش از انقلاب مصر، هموار کردن مسیر برای تغییر؛ در مرحله حین انقلاب مصر، انگیزش بسیج عمومی و بالاخره در مرحله پس از انقلاب، گذار به دموکراتیزاسیون بوده است.

-
1. ICT-based civil disobedience
 2. virtual sit-in
 3. hacktivism
 4. street activism

به‌هرحال به‌طور خلاصه می‌توان گفت که فعالان سایبری رسانه جدید را به‌منظور اهداف چندگانه‌ای در طی انقلاب به کار گرفتند. به‌عنوان مثال همان‌طور که ماری جویس^۱ اظهار کرده، فعالان مصری از فناوری‌های دیجیتال به‌منظور پخش اطلاعات عمومی؛ بسیج معترضان از طریق به اشتراک‌گذاری اطلاعات با یک فراخوان به کنش؛ آفرینش مشترک از طریق طراحی و برنامه‌ریزی جمعی؛ نجات یکدیگر از طریق گریز از سانسور و مراقبت و انتقال پول استفاده کردند (Joyce, 2011).

تاکنون تمام شواهدی که برشمرده‌ایم حاکی از نقش گسترده و ژرف فناوری‌های اطلاعاتی جدید در جنبش انقلابی مصر است. لازم به ذکر است که موارد یادشده بسیار خلاصه و کوتاه بیان شدند. در دفاع از نقش این فناوری‌ها در جریان انقلاب مصر می‌توان مباحث مفصلی را مطرح کرد. ما در اینجا تنها مهم‌ترین موارد را که در پژوهش‌ها معمولاً ذکر می‌شوند برشمردیم. اما درهرحال همان‌طور که گفتیم این تنها یک روی ماجراست.

دام جبرگرایی فناورانه: فهم ضرورت‌های تحلیلی

همان‌طور که گفتیم به نظر می‌رسد آن دسته از افرادی که به بررسی نقش رسانه‌های جدید در جنبش‌های جدید خاورمیانه و به‌ویژه مصر می‌پردازند به‌نوعی دچار اغراق و گزافه‌گویی می‌شوند. در اینجا مواردی را به کوتاهی اشاره می‌کنیم که نشان می‌دهد چرا ما نیازمند رویکردی میانه‌روانه‌تر هستیم.

الف) پدیده شکاف دیجیتال و تأثیر ناهمسان رسانه‌های جدید بر بسیج

گروه‌های مختلف مردم

شکاف دیجیتال اصطلاحی است در اشاره به فاصله بین مردمانی که به فناوری دیجیتال و فناوری اطلاعات دسترسی مؤثری دارند با مردمانی که دسترسی بسیار

1. Mary Joyce

محدودی به این فناوری‌ها داشته یا اصلاً دسترسی ندارند (Wikipedia: Digital Divide). چنین شکافی آشکارا هم بین کشورهای عربی خاورمیانه و جهان توسعه‌یافته و هم در درون این کشورها وجود دارد. بنا بر گزارش‌های رسمی اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور در سال ۲۰۱۰، ضریب نفوذ اینترنت در این سال در بین دولت‌های عربی به‌طور متوسط ۲۴ درصد و در آفریقا به‌طور متوسط ۱۰ درصد بوده است (ITU World Telecommunication: 2010). با توجه به این که سه کشور اصلی که ما تاکنون شاهد انقلاب در آنها بوده‌ایم یعنی تونس، مصر و لیبی جزء کشورهای عربی فقیر و نسبتاً توسعه‌نیافته محسوب می‌شوند، به نظر می‌رسد ضریب نفوذ اینترنت در این کشورها از متوسط کشورهای عربی پایین‌تر باشد. در حال ادعای ما در این بخش این است که فناوری‌های جدید در این کشورها و به‌ویژه مصر بر اثر پدیده شکاف دیجیتال به‌هیچ‌وجه همه‌گیر نیستند و این نکته‌ای است که بایستی در ارزیابی نقش این فناوری‌ها در جنبش انقلابی مصر بدان توجه کرد.

حسام الحمالوی، ژورنالیست و وبلاگ‌نویس مستقل و فعال اجتماعی مصری در طی مصاحبه‌ای به این نکته این‌گونه اشاره می‌کند:

«به خاطر داشته باشید که شما درباره یک ملت ۸۵ میلیونی صحبت می‌کنید که تنها ۲۰ میلیون از آنها به اینترنت دسترسی دارند. آن میلیون‌ها مصری که در کارخانه‌ها اعتصاب می‌کرده‌اند و آنها بودند که نهایتاً با اعتصاب توده‌ای‌شان در سه روز آخر مبارک را پایین کشیدند و به اعتصاب خود تا به امروز ادامه می‌دهند، بیشترین این کارگران در فیس‌بوک نیستند، بیشترین آنها در توئیتر نیستند. بنابراین بگذارید درباره اهمیت و نقش رسانه‌های اجتماعی اغراق نکنیم» (الحمالوی: ۲۰۱۱).

ب) رسانه‌های جدید به مثابه ابزار سرکوب

برخی از پژوهشگران ادعای مربوط به تأثیر فناوری اطلاعاتی و ارتباطی بر کاهش ظرفیت و توان سرکوب حکومت‌ها و پتانسیل آزادی‌بخش آن‌ها را نیز به چالش جدی فراخوانده‌اند. یک نمونه برجسته و جدید در این زمینه «اوگنی موروزوف»^۱ است که در کتاب بحث‌برانگیز «توهم شبکه، سویه تاریک آزادی اینترنت»^۲ تلاش دارد نشان دهد که نه تنها دستیابی به اینترنت به گسترش آزادی بیان و دموکراسی نمی‌انجامد، بلکه اینترنت در کشورهای تحت سرکوب، کار دولت‌های اقتدارگرا را در ردیابی مخالفان تسهیل کرده است. وی ادعا می‌کند دولت‌های مستبد هم از همین اینترنت برای تعقیب مخالفان سیاسی و خفه کردن صدای آن‌ها استفاده می‌کنند. از نظر موروزوف، اینترنت برای رژیم‌های اقتدارگرا ایده‌آل است. در سال‌های اخیر کار این نهادها به برکت وجود اینترنت راحت‌تر شده است. آن‌ها به راحتی می‌توانند اطلاعات جمع‌آوری کنند. در گذشته هفته‌ها یا شاید ماه‌ها طول می‌کشید که سرویس‌های امنیتی شبکه فعالان مخالف را شناسایی کنند، اما حالا این کار بسیار ساده است. کافی است به صفحات فیس‌بوکی آن‌ها نگاه کنند. «کا.گ.ب» قبلاً مخالفان دولت را برای دستیابی به اطلاعات شکنجه می‌کرد، اما حالا این اطلاعات همه به صورت آنلاین قابل دسترسی هستند (Morozov, 2011).

در مورد این که در جریان اعتراضات منتهی به انقلاب مصر و پیش از آن رسانه‌های جدید به‌ویژه موبایل و اینترنت تا چه میزان برای ردیابی و سرکوب بیشتر مخالفان به کار رفتند اطلاعات دقیقی در دست نیست. با این وجود می‌توانیم ادعا کنیم که اگر فناوری ابزاری توانمند کننده است، هیچ دلیلی نداریم که بگوییم این توانمندسازی تنها برای شهروندان اتفاق می‌افتد. حکومت‌ها که اغلب منابع قدرت و ثروت را در اختیار دارند می‌توانند با استفاده از همین ابزارهای توانمند ساز حتی بیش

1. Evgeny Morozov

2. The Net Delusion: The Dark Side of Internet Freedom

و پیش از شهروندان ماشین سرکوب خود را تقویت کنند. دستگیری بسیاری از وبلاگ نویسان و اداره‌کنندگان صفحات فیس‌بوکی از جمله خالد سعید^۱، وائل غونیم، علا عبدالفتاح، مایکل نبیل سند، اسما محفوظ و... پیش از انقلاب مصر، در جریان آن و حتی پس از آن!! حکایت از آن دارد که رسانه‌های جدید تا چه میزان می‌توانند در شناسایی مخالفان به رژیم یاری رسانند (دویچه‌وله، ۲۰۱۱). به‌رحال مانیتورینگ اینترنت و تلفن همراه امروزه در رژیم‌های توتالیتر پدیده‌ای رایج و شناخته‌شده است، هرچند راه‌های گریزی نیز وجود دارد.

ج) توانایی نسبی حکومت‌ها برای کنترل و مسدود کردن رسانه‌های جدید:

در مورد قابلیت‌های رسانه‌های جدید برای دور زدن سانسورها و کاهش کنترل‌ها نیز نمی‌توان از بعد دیگر فناوری و محدودیت‌های آن چشم پوشید. اگرچه برخی ویژگی‌های فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید، به‌ویژه اینترنت، قطعاً قواعد و نظارت را دشوارتر می‌سازد، اما یک سری مکانیزم‌های اجتماعی و تکنیکی وجود دارد که به‌طور مؤثری قابلیت حکومت برای قاعده‌گذاری و مهار را حفظ می‌کند. یک حکومت می‌تواند با تغییر معماری شبکه از سانسور محافظت کند، به این صورت که تمام اطلاعاتی که به اینترنت می‌رود و یا از آن خارج می‌شود بایستی از گذرگاه‌های کنترل شده یا فایروال‌ها^۲ عبور کنند، در نتیجه هم‌اکنون نیز مکانیزم‌هایی برای غربال و سدکردن پیام‌ها در شبکه وجود دارد. به‌عنوان مثال حکومت چین این استراتژی را در سطح ملی به کار می‌برد (Garrette, 2006: 213-214).

در مصر نیز هنگامی که اعتراضات شروع به تهدید موجودیت رژیم مبارک کرد، حکومت از روشی تهاجمی‌تر و خشن‌تری برای جلوگیری از دسترسی به اینترنت و

۱- خالد سعید، جوان ۲۸ ساله علاقه‌مند به اینترنت بود که ششم ژوئن ۲۰۱۰ از کافه نتی در اسکندریه مصر با خشونت شدید مأموران به بیرون کشیده شد و بازداشت شد و همان شب از شدت جراحات جان سپرد. خانواده‌اش گفته‌اند او ویدیویی از فساد پلیس داشت که در پی انتشار آن در اینترنت بود.

2. firewalls

تلفن همراه استفاده نمود. در ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱، حکومت مصر خدمات اینترنت و تلفن همراه را در سراسر کشور قطع کرد که به یک قطعی تقریباً یک‌هفته‌ای منجر شد. پیمایشی که در طول قیام مصر (که چند روز قبل و بعد از قطعی اینترنت را در برمی‌گیرد) برگزار شد، تأثیر سانسور حکومتی بر افکار عمومی را نشان می‌دهد. در این پیمایش بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان بیان کرده‌اند که محدودیت‌های حکومتی، توانایی آن‌ها در استفاده از اینترنت و موبایل را از بین برده است. اگر یافته‌های این پیمایش درست باشد، منطقی است که فرض کنیم که اساساً استفاده کلی از موبایل و شبکه‌های اجتماعی برای جمع‌آوری و به اشتراک‌گذاری اطلاعات در غیاب سانسور حکومتی بیشتر است (Khamis & voughn, 2011: 13-14).

حسام الحمالوی نیز خاطر نشان می‌کند که به هنگام قطع اینترنت و موبایل رسانه‌های رسمی کارایی بیشتری برای بسیج معترضان داشته‌اند:

«به خاطر بیاوریم که یک ازدواج غیررسمی در موارد زیادی بین رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های رسمی وجود داشته است. برای مثال، وقتی یک قطع ارتباط راه دور وجود داشت، و ما بیش از سه چهار روز موبایل نداشتیم، اس‌ام‌اس نداشتیم، و اینترنت نداشتیم، آنگاه ما چگونه قادر شدیم آن اعتراض میلیونی در میدان تحریر را سازمان دهیم؟ اساساً هر وقت که ما به عنوان سازماندهان در تحریر به توافق می‌رسیدیم که ما احتیاج به تحرک داریم و احتیاج به مردم بیشتری داریم، آنگاه یک بیانیه می‌نوشتیم و می‌رفتیم به دفتر بی.بی.سی یا دفتر الجزیره و به آن‌ها می‌گفتیم که فردا ما یک اعتراض میلیونی در تحریر داریم، بیاید. و الجزیره این را بین میلیون‌ها مردمی پخش می‌کرد که ما توان دسترسی به آن‌ها را نداشتیم، به خاطر این که اینترنت قطع بود. ما نمی‌توانستیم از طریق تلفن موبایل که قطع بود به آن‌ها دسترسی داشته باشیم، اینترنت قطع بود و روز بعد ما شاهد یک میلیون آدم بودیم که به تحریر سرازیر می‌شدند» (الحمالوی، ۲۰۱۱).

(د) رسانه‌های جدید و حواس‌پرتی توده‌ای: جایگزینی کنش آنلاین با کنش

آنلاین

همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی نوین بر منابع کنش جنبش‌های اجتماعی منجر به آفرینش اشکال جدید کنش جمعی شده است که با عناوینی چون کنش آنلاین (در مقابل کنش آفلاین) و کنش‌گرایی سایبری (در مقابل کنش‌گرایی واقعی یا خیابانی) مورد اشاره پژوهشگران قرار می‌گیرد. این دگرگونی هرچند موجب گستردگی اشکال کنش شده و همان‌طور که در مصر دیدیم پتانسیل کنشگری جنبش‌های اجتماعی را به‌طور کلی افزایش داده است، اما ممکن است موجب انحراف توجه توده‌های مردم به کنش آنلاین صرف شده و کنش واقعی را که در عمل به پیروزی یک انقلاب می‌انجامد به حاشیه براند و تضعیف کند.

این پدیده‌ای است که عادل اسکندر در مورد انقلاب مصر به آن پی برده است. او توضیح می‌دهد که به همان میزان که فیس‌بوک می‌تواند ابزار مؤثری برای بسیج و سازمان‌دهی عمومی باشد، به همین شکل می‌تواند به‌آسانی به سلاحی برای حواس‌پرتی توده‌ای^۱ تبدیل شود و این هنگامی رخ می‌دهد که مردم زمان بیش‌ازحدی را در آن گذرانده و بنابراین به‌جای کنش‌گرایی واقعی، خود را در کنش‌گرایی مجازی رها می‌سازند. بنابراین اسکندر معتقد است که قطع اینترنت توسط رژیم مبارک منجر به افزایش ناگهانی کنش‌گرایی واقعی در خیابان‌ها شد، همان‌طور که شمار عظیم معترضان گواه آن است (Iskandar, 2011، به نقل از Khamis & Voughn, 2011).

این قبیل دلایل در رد جبرگرایی فناوری‌های اطلاعاتی جدید برای وقوع انقلاب‌ها معدود به این موارد نیستند. عدم التزام سایت‌های شبکه اجتماعی به حمایت از کنش‌گرایان^۲، عدم امکان برنامه‌ریزی برای سازمان‌دهی‌های حساس و مهم به‌صورت

1. mass distraction

۲- برای مثال برخی از مطالب پست شده توسط فعالان مصری از شبکه‌های اجتماعی همچون فلیکر و یوتیوب حذف می‌شد (Galal, 2011: 9-10).

آنلاین (به دلیل حساسیت‌های امنیتی)، احتمال دستکاری و جلوگیری از اطلاعات کنشگران توسط قدرت‌هایی که اینترنت را در سلطه خود دارند، و بسیاری از عوامل دیگر را می‌توان برشمرد که همگی ما را به این نتیجه‌گیری رهنمون خواهند کرد که فناوری اطلاعاتی نوین چهره‌ای ژانوسی و پارادوکسیکال دارد و در ارزیابی تأثیر و نقش آن بر و در انقلاب مصر بایستی این دو چهره را به صورت توأمان مدنظر قرار داده و در تحلیل موردنظر قرار داد. بنابراین، آن‌گونه که جوفه^۱ می‌گوید: «برخلاف آنچه برخی پژوهشگران می‌گویند، نقش اینترنت و تلفن همراه جبری نیست. به این معنا که نه فناوری تلفن همراه و نه اینترنت - اعم از فیس‌بوک و توییتر - برای موفقیت اعتراضات در تونس و مصر ضروری نبودند. شاهد آنکه در هر دو کشور هر دوی این امکانات حداقل در دوره‌ای از اعتراضات تا حدودی مسدود شدند، بدون آن‌که هرگز از رشد اعتراضات ممانعت کند» (Joffe, 2011: 525).

به‌طور کلی، در فهم انقلاب‌های ۲۰۱۱ و از جمله انقلاب مصر بایستی میان علت، ابزار و کارگزار تفکیک قائل شویم. علت‌ها همان شرایط و وقایع بیرونی به‌ویژه زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی هستند. کارگزاران عبارت‌اند از: انسان‌هایی که برای وقوع تغییر تلاش می‌کنند و بالاخره ابزارها هر وسیله‌ای هستند که در این مسیر به کار گرفته می‌شوند. فناوری اطلاعاتی و ارتباطی فقط و فقط از جنس ابزار است و اگر اهمیتی در بطن انقلاب مصر دارد فقط و فقط از این منظر است. بنابراین بایستی از برقراری رابطه علیت بین فناوری‌های اطلاعاتی جدید و تغییر انقلابی در مصر اجتناب کنیم. این مسئله دلیل منطقی نیز دارد، چرا که طبق فهم جان استوارت میلی از علیت، اگر T (فناوری) علت R (انقلاب) باشد، آنگاه T یا شرط لازم برای R است و یا شرط کافی. اگر شرط کافی باشد پس هر هنگام که T باشد R الزاماً رخ خواهد داد و اگر شرط لازم باشد پس هر هنگام که T نباشد آنگاه R امکان رخ دادن

1. Joffe

ندارد. بنابراین علیت شامل ارجاع و اشاره به قانونی عام می‌شود که رابطه‌ای حتمی، لاینیغیر و کارکردی میان طبقه‌ای از وقایع (T، متغیر مستقل) و طبقه‌ای دیگر از وقایع (R، متغیر وابسته) برقرار می‌کند (Fay, 1996: 172).

نتیجه‌گیری

فعالان سیاسی در مصر از سال ۲۰۰۹ با استفاده از فضای مجازی به‌مثابه یک عرصه عمومی در بحث‌ها و مناقشات آنلاین درباره شرایط سیاسی و اجتماعی درگیر بوده‌اند که به تدریج به یک انقلاب تمام‌عیار منتهی شد. رسانه‌های جدید منبع نوین فراهم‌کننده سرعت در دریافت و انتشار اطلاعات بودند؛ به ساخت و نیز تقویت استحکام پیوندهای بین فعالان کمک کردند و کنش متقابل میان معترضان و نیز بین معترضان و بقیه جهان را افزایش دادند. با کارکردهای روزنامه‌نگاری شهروندی فناوری‌های اطلاعاتی جدید رویدادهایی که منجر به اعتراضات می‌شود با سرعت و به‌طور گسترده‌ای پخش می‌شدند و خروجی‌های رسانه‌ای آلترناتیو فراهم شده توسط این فناوری‌ها، سانسور رسانه‌های رسمی و حکومتی را به چالش می‌کشید و گردانندگان آن را بی‌اعتبار می‌کرد.

آثار مثبت فناوری اطلاعاتی جدید بر بسیج جنبش‌های اجتماعی و در مورد جنبش انقلابی مصر بسیار گسترده و ژرف هستند. اما این تنها یک روی ماجرا است. فناوری چهره‌ای ژانوسی و پارادوکسیکال دارد و به‌عبارتی دیگر شمشیری دو لبه است. فناوری اطلاعاتی نوین هنوز محدود و منحصر به طبقه متوسط جدید و بالای جامعه مصر است. علاوه بر این اگر فناوری «ابزار»ی توانمندکننده برای گریز از سرکوب است، حکومت‌ها نیز کاربرد این ابزار برای سرکوب را خوب یاد گرفته‌اند. سانسور، مانیتورینگ، انسداد و کنترل برای حکومت‌ها به یاری همین فناوری‌های جدید آسان‌گشته است و بالاخره آن‌گونه که اسکندر و گرت نیز هشدار داده بودند، فناوری به

همان میزان که بسیج می‌کند ممکن است با حواس‌پرتی توده‌ای یا تلاش‌های ضد بسیج، ابزاری برای رفع بسیج^۱ باشد.

البته ممکن است این وضعیت با کاهش دقت اطلاعات انتشار داده‌شده، وخیم‌تر شود. اگر افراد به دلیل سهولت انتشار اطلاعات آنلاین، تلاش کمتری را برای سنجش و بررسی دقیق اطلاعات قبل از به اشتراک گذاشتن آن‌ها با دیگران انجام دهند، کیفیت اطلاعات آنلاین جنبش اجتماعی ممکن است کاهش‌یافته و به‌طور بالقوه گذار از اعتراض^۲ به شورش^۳ تسریع شود. اما از سوی دیگر، مردم می‌توانند از اینترنت برای راستی‌آزمایی اطلاعات و بررسی ادعاها در برابر منابع چندگانه استفاده کنند و در نتیجه میزان دقت را افزایش دهند. در واقع بایستی گفت پیش‌بینی‌های رادیکال شدن بر ظرفیت‌های تکنیکی فناوری‌های اطلاعاتی جدید تأکید دارند، درحالی‌که رفتار مردم را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند. اگرچه اینترنت و موبایل می‌تواند به اطلاعات اجازه دهد تا از آنچه قبلاً ممکن بود دورتر و وسیع‌تر حرکت کنند، اما گذار از اعتراض به شورش به کنش‌های مردم بستگی دارد. برای این که ارتباطات غیردقیق تکنولوژی‌های جدید ارتباطی - محور جنبش تبدیل به هنجار شوند، مردم بایستی که اطلاعات جنبش را بدون تمیز و گزینش منتشر نمایند. با نگاهی خوش‌بینانه ممکن است بتوانیم بگوییم چنین اتفاقی به‌ندرت می‌افتد. شاید مردم خود بهترین ویراستاران خبری باشند.

روشن است که چنین رابطه‌ای را نمی‌توان برقرار کرد. فناوری اطلاعاتی شرط کافی برای وقوع انقلاب نیست، چرا که اگر این‌گونه بود اکنون تمام کشورهای دنیا یا اگر دقیق‌تر بگوییم اکثر آن‌ها بایستی دستخوش ناآرامی انقلابی می‌بودند. فناوری حتی شرط لازم نیز نیست چرا که در دوره‌های قطعی این رسانه‌ها چیزی متوقف نشد. پس فناوری نه علت است و نه به‌خودی‌خود کارگزار، بلکه ابزاری است که تحت شرایط

1. demobilization
2. protest
3. riot

وجود علل و زمینه‌های خاص به‌مثابه یک تسریع و تقویت‌کننده در خدمت اهداف کارگزاران خواهد بود. این همان نقش و جایگاه واقعی فناوری اطلاعاتی - ارتباطی جدید در انقلاب مصر است.

منابع

- الحمالوی، حسام (۲۰۱۱)، *رسانه‌های اجتماعی، کارگران و انقلاب مصر*، ترجمه: حبیب بکتاش، در دسترس در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۲ در:
<http://www.wpiran.org/00-k-komonist/kk177/html/kk177-HosamH.htm>
- دویچه‌وله (۲۰۱۱)، *زندادان و سانسور، سهم بلاگرهای عرب‌زبان از «بهار عرب»*، در دسترس در:
<http://www.dw-world.de/dw/article/0,,15609583,00.html>
- روزنا، جیمز (۱۳۸۴)، *آشوب در سیاست جهان*، ترجمه: علیرضا طیب. تهران: نشر روزنه.
- قلی‌پور، مجتبی (۱۳۹۰)، *فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی نوین و تأثیر آن بر کنش جنبش‌های اجتماعی*، به راهنمایی علی‌اشرف نظری، *پایان‌نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *ظهور جامعه شبکه‌ای*، ترجمه: علیقلیان و خاکباز، جلد اول، تهران: طرح نو.
- منتظر قائم، مهدی (۱۳۸۱)، *دمکراسی دیجیتالی و حکومت الکترونیکی: سیاست و حکومت در عصر تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی*، *مجله نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۹.
- نظری علی‌اشرف؛ قلی‌پور، مجتبی (۱۳۹۵)، *اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و جنبش‌های اشغال وال‌استریت: چگونه اینترنت علیه صاحبانش به کار گرفته می‌شود؟ مجموعه مقالات جنبش وال‌استریت*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

- Bowman, Shayne & Willis, Chris. (2003). **We Media: How audiences are shaping the future of news and information**, The Media Center at The American Press Institute. Available online at:
<http://www.mediacenter.org/mediacenter/research/wemedia/>
- Brisson, Z. et al. (2011). "Egypt: From Revolutions to Institutions", New York: Reboot. Accessed April 18, 2011, and available from <http://thereboot.org/wp-content/Egypt/Reboot-Egypt-FromRevolutions-To-Institutions.pdf>
- Castells, Manuel. (2008). "The new public sphere: global civil society, communication networks, and global governance", *the annals of the American academy of political science*, no. 616:78-93.
- Eltantawi, Nahed & Wiest, Julie B. (2011). "Social Media in the Egyptian Revolution: Reconsidering Resource Mobilization Theory", *International Journal of Communication* 5:1207–1224.
- Fay, Brian. (1996). *Contemporary Philosophy of Social Science: A Multicultural Approach*. Cambridge: Blackwell Publishers.
- Galal, Khaled. (2011). "The Role and Implications of ICTs in the Egyptian Revolution", 'Digital Policy: Connectivity, Creativity and Rights' ESRC Research Seminar Series (RES-451-26-0849) Friday April 1 2011 Centre City Campus, University of Wales, Newport. Hosted by the School of Art, Media and Design.
- Garrett, R. Kelly. (2006). "Protest in an Information Society: a review of literature on social movements and new ICTs", *Information, Communication & Society*, 9: 2, 202-224.
- George Joffé. (2011). "The Arab Spring in North Africa: origins and prospects", *The Journal of North African Studies*, 16:4, 507-532
- Howard, Philip.N. (2010). **The Digital Origins of Dictatorship and Democracy: Information Technology and Political Islam**, Oxford: Oxford University Press.

- Idle N. and Nunns A. (2011). "Tweets from Tahrir: Egypt's Revolution As It Unfolded, in the Words of the People Who Made It", New York: OR Books.
- Ishani, M. (2011). "The hopeful network", *Foreign Policy*. Retrieved http://www.foreignpolicy.com/articles/2011/02/07/the_hopeful_network
- Joyce M. (2011). "The 7 activist uses of digital technology: Popular resistance in Egypt", *International Center on Nonviolent Conflict*. Accessed April 18, 2011, and available from: http://www.nonviolentconflict.org/images/stories/webinars/joyce_webinar.pdf
- Khamis, Sahar & Katherine Vaughn. (2011). "Cyberactivism in the Egyptian Revolution: How Civic Engagement and Citizen Journalism Tilted the Balance", available at: <http://www.arabmediasociety.com/index.php?article=769&printarticle>.
- Morozov, Evgeny. (2011). **The Net Delusion: The Dark Side of Internet Freedom**. New York: public affairs new york.
- Postmes, Tom & Brunsting, Suzanne. (2002). "collective action in the age of the internet: mass communication and online mobilization", *Social Science Computer Review*, 20: 290-301
- Silver, R. (2011). "The best of Alive.in Libya, Bahrain, and Egypt". *Movements.org*. Accessed April 18, 2011, and available from <http://www.movements.org/blog/entry/best-citizen-createdvideos-from-egypt-and-libya/>
- York, J. (2011). "Critique of media coverage of Egypt is a strong case for Twitter", Retrieved March 24, 2011, from <http://jilliancyork.com/2011/02/04/critique-of-media-coverage-of-egyptis-a-strong-case-for-twitter/>